



“هو العلیم”

سخن سردیبر:

مبانی روان‌شناختی و تربیتی
پرورش باورها و پدیدآیی رفتارهای اخلاقی و ارزش‌های دینی

بایک نگاه ژرف به فلسفه تربیت اسلامی به نیکی در می‌یابیم که همه ارزش‌ها و آموزه‌های دینی بر فطرت، معنویت، منطق و عقلانیت استوار بوده و از همین منظر پویا، جهان شمول و بر فراز عصرها و نسل‌ها جاودانه است. همسوئی معنویت و عقلانیت در بایسته‌های دینی به زیبایی و کمال معلوم و مشهود است. استواری، منطقی (و عقلانی ارزش‌های الهی به گونه ای است که می‌توانیم به راحتی وحدت و همانندی دیانت و عقلانیت را به زیبایی احساس نماییم. از همین نگاه، پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند: «الدِّینُ هُوَ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ هُوَ الدِّینُ، لَا دینَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ وَ لَا عَقْلَ لِمَنْ لَا دینَ لَهُ»^۱، دیانت همان عقلانیت است و عقلانیت همان دیانت است، هرکس متدین نباشد یقیناً از عقلانیت بهره‌چندانی نبرده است و هرکس از عقلانیت بهره‌ای ندارد بالطبع نمی‌تواند متدین باشد.

بدون تردید باید اذعان داشت که هوش^۲ به یک معنا، نعمت توان درک و حل مسئله و سازش یافتگی و مدیریت شرایط حاکم بر محیط است. هوش، تیزبینی و تیزروی است، هوش همانند شمشیر دو لبه وسیله پیشروی و غلبه بر محیط است، اما عقل^۳، سرمایه تدبیر است، میزان ارزیابی و سنجش فلاح و خسران است، عقل حکمت است و فرمانروای اندیشه و رفتار حکیمانه، عقل خمیرمایه تلاش مداری در حریم ارزش‌ها و اجتناب از کم‌ترین لغزش‌ها است. عقل آینه مصونیت از رفتارهای خود آزار و دیگر آزار است^۴. عقل حلقه وحدت اندیشه و گفتار و رفتار است^۵، چراکه انسان عاقل، نه ترسو است و نه متهور، بلکه شجاعانه می‌اندیشد و شجاعانه عمل می‌کند. عاقل نه بخل می‌ورزد و نه ولخرجی می‌کند، بلکه مقتصد و متعادل است، انسان عاقل نه منفعل است و نه پرخاشگر و همواره در شرایط گوناگون رفتارهای عاطفی و منطقی و استوار دارد.

۱. وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ (سوره مومنون آیه ۶۲)

۲. نهج الفصاحه

3. Intelligence

4. Wisdom

۵. در آموزه‌های دینی همه آنچه که به گونه ای مستقیم و غیر مستقیم، در کوتاه مدت و بلند مدت به سلامت زیستی، شناختی و روانی و اجتماعی انسان آسیب می‌زند "حرام" تلقی گردیده و بالعکس هم زمینه رشد مطلوب زیستی، روانی و عاطفی و حیات اجتماعی انسان را فراهم می‌نماید "حلال" و تعهد به آن لازم و ضروری تلقی می‌گردد.

۶. خدای مهربان در قرآن کریم (سوره صف آیه ۲) می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا به آنچه که می‌گویید خودتان عامل نیستید!

آتَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُرِّ وَتَسْتَوْنُ أَنْفُسَكُمْ (سوره بقره، آیه ۲۳)، چگونه است که دیگران را به اندیشه و رفتار نیکو دعوت می‌کنید اما خودتان دچار لغزش می‌شوید! (و این رفتار از نقصان عقلانی است و نه کم‌هوشی!).

انسان عاقل به آنچه که باور دارد عمل می‌کند و از دروغ و دورویی و دوگانگی شخصیت و نفاق به دور است. عاقل با وارستگی و فرزاندگی می‌اندیشد و صادقانه و مدبرانه و حکیمانه رفتار می‌کند. فطری بودن نیاز درون انسان به پرستش خالق هستی و قرب به قادر توانا از آن جهت است که خدای مهربان خلقت انسان را در زیباترین هیأت و کامل‌ترین شاکله روان شناختی مقدر نموده و همه زمینه‌های خودشکوفایی، گرایش به رستگاری و نیاز نیل به فلاح را در وجود انسان هموار نموده است. از همین نگاه، خدای مهربان، خالق همه شگفتی‌ها همه انسان‌ها را «کنجکاو» می‌آفریند. کنجکاو خمیر مایه خدا جویی و بستر خلاقیت‌های ذهنی و بیویایی شخصیت است. کودکان در همان مراحل اولیه رشد با نگاه و رفتار کنجکاوانه، جستارگری خود را آغاز می‌نمایند و به هنگام سخن گفتن برای پیدا کردن گمشده‌های ذهنی و کشف حقیقت، مرتب سوالات کنجکاوانه خود را مطرح می‌نمایند. همه کودکان در گستره جهان با پرسیدن سوالات مشابه می‌خواهند پی به راز و رمز هستی ببرند. مادر، پدر، این صدای چیست که از آسمان شنیده می‌شود؟ من از کجا آمده‌ام؟ پشت این پرده چیست؟ خالق این هستی کیست؟ «کنجکاو» یک پدیده خوشایند عاطفی و شناختی است، به همین جهت بچه‌ها با طرح سوالات کنجکاوانه خود همزمان به دنبال حسن تأمین نیاز عاطفی و نیاز شناختی خود هستند. لذا هنگامی که کودک یک سوال را چندین مرتبه می‌پرسد و شاید پاسخ آن را هم قبلاً شنیده باشد، در اندیشه غنای عاطفی و تعامل خوشایند با والدین است.

«کنجکاو» در پدیده‌ها و شگفتی‌های هستی و خویشتن خویش امری فوق العاده مطلوب و ممدوح است، اما تجسس در احوالات شخصی و حریم زندگی خصوصی دیگران امری نامطلوب و مذموم است.^۱ با عنایت به همین ویژگی فطری و ارزشمند «حس کنجکاو»، فراهم نمودن بستر مناسب برای پرورش بهینه حس کنجکاو کودک از مهم‌ترین رسالت‌های والدین بصیر و مریبان و معلمان فهیم و دور اندیش است.

بدیهی است چنانچه بعضاً پاسخ صحیح و متناسبی برای سوال کنجکاوانه کودک نمی‌دانیم شایسته است از واکنش‌های غیر عقلانی و پاسخ‌های ناروا و نامتناسب اجتناب نموده و به کودک اذعان نماییم که سوالی که پرسیده است بسیار مهم است و شایسته است پاسخ مطلوب را از فلان اندیشمند بی‌رسیم و در کتاب خاص یا از یک منبع اطلاعاتی مجازی پاسخ را پیدا نمائیم، بدون تردید در این موقعیت احساس خود ارزشمندی کودک تقویت گردیده و روش کشف حقیقت را می‌آموزد. در حقیقت احساس و لذت پرستش با فطرت جستارگری کنجکاوانه بشر عجین می‌باشد.

با یک تامل عمیق سیر زیبای و حس کنجکاو تا زبان تسبیح و عبادت خالق شگفتی‌ها را به نیکی در می‌یابیم. هنگامی که انسان «کنجکاوانه» به پدیده‌های هستی و عظمت خلقت خویش می‌نگرد، وجودش را هاله‌هایی از «تفکر» فرا می‌گیرد. هر چه بیشتر در پدیده‌ها و شگفتی‌های هستی اندیشه و تفکر می‌کند^۲ و با عظمت شگفتی‌های خلقت بیشتر آشنا می‌شود، دچار «تحیر و حیرت زدگی» فوق العاده‌ای می‌شود و این تحیر و شگفت زدگی احساس بسیار لطیف و زیبایی در انسان پدیدار می‌نماید. «تحیر و حیرت زدگی» در برابر شگفتی‌های هستی در وجود انسان نشاط و بهجت ایجاد می‌کند و ظرفیت وجود آدمی را با گستره جهان پیوند می‌زند. همین است که پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و اله، همواره دردعاها و

۱. قد خلقنا الانسان في احسن تقويم (سوره تین، آیه ۳)

انسان را در بهترین هیأت آفریدیم، باید دقت داشت که بعضاً تولد درصدی از کودکان با آسیب‌های زیستی و شناختی به دلایل مؤلفه‌های زنتیکی، مادرزادی و محیطی عمدتاً به خاطر جهل، ناآگاهی، قصور یا خطا والدین رخ می‌دهد که باید در شناخت عوامل معلولیت‌زا و پیشگیری از آنها دقت و تلاش مضاعف نمود.

۲. خدای مهربان انسان‌ها را از تجسس در احوالات شخصی و فضولی در حریم زندگی شخصی دیگران نهی می‌نماید: وَلَا تَجَسَّسُوا (سوره حجرات، آیه ۱۲).

۳. فی المثل چگونه است که در قرآن کریم خالق زیبا آفرین می‌فرماید. دو نفر در جهان یافت نمی‌شود که سر انگشتان‌شان مشابه هم باشد. در حقیقت دو نفر را در گستره هستی نمی‌یابی که تار موهایشان شبیه هم باشد! «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ» (سوره قیامت آیات ۲-۳). آخر چگونه است که در بین میلیاردها انسان حتی در دو قلوهای یکسان دو نفر نیستند که انگشتان‌شان مثل هم باشد؟! آری خالق هستی در خلقت خود هر انسانی را خیاطی می‌کند: وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا (سوره نوح، آیه ۱۳) و این پدیده مادر علم زنتیک نوین است.

راز و نیازها با خالق هستی می‌فرمودند: «ربی زدنی تحیراً»^۱، خداوندا حیرت و تحیر مرا در برابر شگفتی‌های خلقت و راز و رمز آفرینش افزون نما^۲.

انیشترین^۳ فیلسوف نام آور انگلیسی در یکی از یادداشت معروف خود می‌نویسد:

«زیبا ترین حالت بشر در گستره حیات، حیرت زدگی او در برابر شگفتی‌های هستی است»

آری حیرت زدگی در برابر شگفتی‌های خلقت وجود انسان را پالایش نموده و معنویت و روحانیت و آرامش او را مضاعف می‌نماید. هنگامی که انسان با «کنجکاوی» و «تفکر» در پدیده‌های هستی «تحیر و حیرت‌زدگی» پرشکوهی را تجربه می‌نماید، بلا درنگ به «تأمل» عمیقی در اندیشه خویشتن خویش فرو می‌رود و لحظه‌های پر معنا و دل‌آرامی را احساس می‌کند، به گونه‌ای که این «تأمل» گران قدر همه ذرات وجود انسان را با «تواضع» و فروتنی، «خضوع» و «خشوع» توصیف ناپذیری در برابر عظمت خالق هستی مصفاً می‌نماید و انسان با همه ویژگی‌ها و با همه توان و مقام و اقتدار، خود را ذره‌ای ناچیز در برابر شوکت و ملکوت خالق هستی و پدیدآورنده همه شگفتی‌های خلقت می‌پندارد و همه سلول‌های وجودش همگام و همراه و هماهنگ با همه پدیده‌های هستی تسبیح ذات حق را زمزمه می‌کند و خالق هستی رامی ستاید و سپاس می‌گوید. یسبح لله ما فی السموات وما فی الارض^۴، یقیناً در این هنگام، انسان‌های وارسته و آزاده سبک بال و دل آرام دوست می‌دارند از سویدای دل فریاد بزنند: «اللهم لیبک، لاشریک لیبک، ان الحمد والنعمه لک لیبک، سبحانک یا لا اله الا انت».

خدایا سلام، خدایا سپاس! و خدایا شکر! و دوست می‌دارند که همه روز، از طلوع فجر تا غروب آفتاب و شب هنگام چندین مرتبه با خالق هستی سخن گفته و راز و نیاز نمایند و تسبیح اکبر به جای آورند و نماز تسبیح اکبر است، چراکه نماز کامل‌ترین پاسخ به عالی‌ترین نیاز انسان است و عالی‌ترین نیاز انسان نیاز به خودشکوفایی و نیل به فلاح است. نماز نیاز همیشه انسان به شگفتن است، نماز سکوی اعتلا و معراج انسان است. نماز تسبیح اکبر، ایستادن در کرانه هستی و دیدن نادیدنی هاست، نماز سخن گفتن با خدا، آرامش روان و سکنه خاطر است، نماز راز و نیاز با خالق شگفتی‌های هستی، پالایش وجود، والایش روان و باران رحمت است.

آری کنجکاوی نشانه بیداری فطرت و انس با خالق هستی است. چنانچه حس زیبای کنجکاوی کودکان و نوجوانان به مثابه یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیت متعادل و متعالی و پویا و خلاق در تعامل خوشایند در فضایی مملو از عطوفت و محبت و منطقاً و استواری و به دور از هرگونه تهدید و تنبیه و تکذیب و تحقیر و تعارض پرورش یابد به طور کاملاً طبیعی شاهد تبلور احساس لطیف و پدیده آبی نیکوی رفتارهای مذهبی و معنوی و جوانه‌های اندیشه‌های خلاق خواهیم بود. به طور کلی همه رفتارهای^۵ اجتماعی به ویژه رفتارهای مذهبی در بستر باورها، بازخوردها و نگرش‌های مذهبی پدیدار می‌گردد. باورها و نگرش‌ها نیز بر دو رکن شناختی و احساسی استوار گشته و تکوین می‌یابند.

بدون تردید حوزه شناختی یعنی دریافت اطلاعات، مشاهدات و ادراکات محیطی به صورت مستقیم و غیرمستقیم و خواسته و ناخواسته مقدم بر حوزه احساسی است. هر زمان که یک پدیده یا اطلاعات خاصی در حوزه ذهن و اندیشه ما قرار می‌گیرد در درون ما به گونه‌ای محسوس یک حس خوشایند و یا ناخوشایند نسبت به آن پدیده یا اطلاعات ایجاد می‌گردد. اگر آنچه که ذهن ما به آن آشنا می‌گردد در ما یک احساس خوشایندی ایجاد نماید، آمادگی روانی ما برای مشاهده و تکرار آن و یا همدلی و

۱. شرح منظومه سبزواری، جلد ۵، ص ۱۷۶.

۲. نهج‌الفصاحه

3. Enstein

۴. سوره جمعه آیه ۱.

۵. رفتار به مجموعه‌ای کنش‌های کلامی و غیرکلامی اطلاق می‌گردد که نسبتاً پایدار بوده و قابل مشاهده و ارزیابی است، بالطبع قابل پیش‌بینی و تغییر و اصلاح می‌باشند.

همانند با آن بیشتر می‌گردد. اما چنانچه پدیده یا رفتار خاصی را که مشاهده می‌نماییم و یا اطلاعاتی را که دریافت می‌نماییم، به دلایلی خاص برایمان خوشایند نباشد آمادگی روانی ما برای تکرار آن و یا همراهی با آن منفی و یا بسیار اندک خواهد بود. بدون تردید هنگامی که کودکان و نوجوانان و جوانان رفتاری را مشاهده می‌نمایند و اطلاعاتی را که دریافت می‌دارند با ویژگی‌های فطری و نیازهای شناختی و روانی و عاطفی آنان سازگار بوده، از تناسب و جذابیت مطلوب برخوردار باشد و با احساس خوشایندی که می‌یابند همواره خواهان تکرار فراوانی آن رفتار گردیده و قلباً آماده همدلی و همانندی با آن می‌شوند. عموماً آمیزه‌ای از شناخت مطلوب و متناسب و احساس خوشایند و دل آرام نسبت به یک رفتار، اطلاعات و یا پدیده خاص زمینه تکوین باور و بازخورد غنی و عقلانی را فراهم می‌نماید و این باور مساعدترین بستر برای پدیدایی رفتارهای متعادل و متقابل می‌شود. به سخن دیگر، هنگامی که در شرایط و موقعیت‌های مختلف در ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان و جوانان همزمان شناخت و احساس خوشایند مذهبی شکل بگیرد، به تدریج شاهد تکوین باورها و بالطبع پدیده‌های رفتارهای مذهبی خواهیم بود. بنابراین در آفرینش مطلوب‌ترین بستر برای تحول شخصیت فرزندان و متریان، تکوین باورهای غنی دینی و ارزشی و شکوفایی رفتارهای معقول مذهبی در ایشان بایسته و شایسته آن است که همواره در نظر داشته باشیم برای کودکان و نوجوانان زمینه‌های شناخت ارزش‌های دینی را در هاله‌ای از عواطف و احساسات خوشایند فراهم نماییم.

تقویت احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان و جوانان فوق‌العاده بر اهمیت و ارزشمند است، به بیان دیگر برای کودکان و نوجوانان و حتی جوانان و بزرگسالان بیش از اهمیت خاص مبانی فلسفی و مؤلفه‌های شناختی و منطقی فرضیه‌ها و ارزش‌های دینی همانند نماز و روزه و خمس و زکات و حجاب و صداقت و گذشت و صبوری و تلاش مداری، همواره منش والا و شخصیت وارسته و مطلوب و محبوب و دوست داشتنی افراد متدین، عاملان و متعهدان به ارزش‌ها و فریضه‌های دینی، یعنی نمازگزاران، صائمان و حاجیان و زکات دهندگان و باحجابان عقیف و صادقان و صبوران و تلاش‌مندان به مراتب مهم‌تر و اثربخش‌تر است. همه دوست دارند اندیشه و رفتارهای مذهبی را در شاکله شخصیتی الگوی محبوب مشاهده نمایند. الگوی‌های محبوب آنانی هستند که شخصیت ایشان آمیزه‌ای است از عواطف، محبت، پویایی، نشاط، منطق و استواری. چراکه همیشه الگوهای محبوب به ویژه الگوهای مطلوب و محبوب دینی در تعامل، با معاشران و مخاطبان، اندیشه و کلام و رفتارشان به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم مطلوب‌ترین پاسخ به نیازهای فطری و روانی آنان است.

ما همه بر این باور هستیم که همه انسان‌ها در گستره هستی، بالاخص کوچکترها و نوجوانان و جوان‌ها محبت‌پذیر و احم‌گریزند. ترغیب طلب و تهدید ستیزند و تشویق‌پذیر و تنبیه‌گریزند، تأییدطلب و تکذیب‌گریزند، تکریم‌طلب و تحقیر ستیزند، آرامش‌طلب و اضطراب‌گریزند. عزت‌طلب و ذلت ستیزند، خواهان هم‌نشینی با انسان‌های دل‌آرامی هستند که منش متعالی آنان چون کوه استوار و چون باران بهاری لطیف است. همین است که همه آدم‌ها فطرتاً محبوب‌طلب و منفور‌گریزند و از انسان‌های بداخلاق و تندخو و خودخواه و متکبر روی گردانند. الگوهای مطلوب و محبوب و دل‌آرام مذهبی آنانی هستند که اندیشه و نگاه متعالی و رفتار خوشایند و کلام دلنشین بستری فراهم می‌نمایند تا همدلان و هم‌نشینان از خودبینی‌ها و خودمداری‌ها عبور کرده و با تفکر در عظمت شگفتی‌های خلقت در برابر خالق سبحان خاضعانه و خاشعانه زبان شکر و سپاس بگشایند، از همین منظر، منش متعادل، شخصیت متعالی، رفتار خوشایند، کلام دلنشین و نگاه پر محبت پدر و مادر، معلم و استادی که نماز می‌خواند و حج به جای می‌آورد و خود را به ارزش‌های دینی و فرایضه‌های مذهبی متصف می‌نماید، فوق‌العاده حساس و مهم است همان گونه که پیشتر اشاره گردید، اساساً هدف اصلی فرایض دینی، تهذیب نفس و صفای باطن و آرامش روان و توحید و یکتایی با خالق هستی است، و همین است که اندیشه و نیت انجام فرایض دینی نیز بسیار پر اهمیت است، چراکه اندیشه و نیت در انجام فرایض دینی هدفها و جهت‌ها را روشن و ترسیم می‌نماید هدفها و جهت‌هایی که انتظار می‌رود اندیشه و رفتار آدمی را در حیات فردی و اجتماعی منز و مصفا نماید. به عنوان مثال، هنگامی که الگوی محبوبی

۱. حضرت لقمان (س) با این نگاه با فرزندش سخن می‌گوید (قرآن، سوره لقمان)

می‌خواهد به نماز بایستد و با خالق هستی راز و نیاز نماید در آغاز وجود خود را با صفا و نور «وضو» مصفاً می‌نماید. در این لحظه اطرافیان و معاشران به خصوص کودکان و نوجوانان و جوانان گشاده‌رویی، نورانیت، معنویت و نشاط و بهجت را در چهره مهربان محبوب خود مشاهده نموده و احساس بسیار خوشایندی می‌یابند، چراکه وضو صرف شستن جسم نیست، طهارت ظاهر نیست بلکه وضو تهذیب نفس و پالایش روان و صفا بخش وجود است. اگر شخصی در اقیانوس اطلس به دور از نیت وضو با چند بشکه مایع شستشو خود را بشوید هرگز آمادگی لازم را برای اقامه نماز و سخن گفتن با خالق هستی را نمی‌یابد، اما با اندیشه و نیت برای راز و نیاز با خدای مهربان با یک لیوان آب^۲ می‌تواند وضو بگیرد، باصفای دل به نماز بایستد.

الگوی‌های محبوب مذهبی به نیکی باور دارند و به باورهای خود وفادار و متعهدند که هنگام وضوء زمانی که صورت خود را می‌شویند، بر این باور و اندیشه‌اند که صورت نمای اجتماعی و اخلاقی شخصیت انسان است و با آب وضو چهره خود را از همه زشتی‌ها، خسونت‌ها و بداخلاقی‌ها مصفاً می‌نمایند. آنان به هنگام شستن صورت به زیر لب با زبان و کلام خاص خود می‌گویند: خداوندا اگر با چهره عبوس و نگاه خشم آلود خود کسی را رنجانده‌ایم، با کلام ناروا دلی را شکستیم ما را ببخش، بارالها به ما توانی عطا کن که همیشه با چهره گشاده و متبسم و آرام بخش با دیگران در تعامل باشیم، و از غلبه هیجان خشم و امواج نگاه دل آزار و کلام ناصواب مصون بمانیم.

الگوهای رشد یافته و متعالی مذهبی به هنگام شستن دست‌ها می‌گویند: خداوندا، اگر جاهلانه به سینه بیگناهی زدیم، دست نیازمندی را در دستمان جای ندادیم، اگر دست یاری به سوی محروم و محتاجی نگشودیم، با قلم خود به دور از عدالت عبارتی را نگاشتیم و حق کسی را تضییع نمودیم و همه توان‌مان را برای ارضای امیال نفسانی مان هزینه کردیم، ما را ببخش و به ما توان و فرصت بده که همه قوا و توان خود را در راه رضای توبه کار گیریم^۳ چرا که یدالله فوق ایدیهیم^۴ و هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدای قادر و حکیم وجود ندارد.

الگوهای متعالی مذهبی آنگاه که اراده می‌نمایند سر خود را مسح نمایند، زیر لب با باوری عمیق اذعان می‌دارند که همه رفتارها، همه کنش‌ها و واکنش‌ها از تفکر، اندیشه و باورهای ما سرچشمه می‌گیرد، ای خدای حکیم و ای علیم به ذات الصدور، ذهن و اندیشه ما را مهذب و مصفا نما.

مثبت اندیشی، امیدبخشی و بخشایش‌گری ما را مضاعف کن و مغز و ذهن مرا از حاکمیت افکار ناصواب و اندیشه‌های ناروا مصون به دار^۵. محبوبان دل آرام، الگوهای شایسته و متدین زمانی که می‌خواهند روی پاهای خود را مسح نمایند با این باور که پا نماد و نشانی از حرکت و مشی آدمی است، از سویدای دل دعا می‌کنند و از پروردگار مهربان می‌خواهند که همیشه قدم‌هایشان را در مسیر حق استوار بدارد و در پیمودن صراط مستقیم هرگز دچار لغزش و ایستایی و پس‌روی نگردند^۶. اینک الگوهای محبوب با مصفا شدن وجودشان به صفای وضو و منور شدن چهره‌های‌شان به نور و روشنی وضو، آماده اقامه فرایضه نماز و سخن گفتن با خدای مهربان هستند. چراکه در این شرایط با نشاط درون و احساس بهجت توصیف‌ناپذیر از هر نظر آماده‌اند که سرود و ارستگی و آزادگی و توحید و یکتایی را، « قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَتُسْكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۷ » به زبان آورند. یقیناً محسوس شدن با چنین الگوهای محبوب دینی، فطرت خداجویی را بیدار و نیاز به پرستش را عیان می‌کند.

۱. البته نتیجه قهری وضو، نظافت و بهداشت صورت و دست و پا نیز هست

۲. اگر آب مهیا نبود تیمم با خاک

۳. قَوْ عَلَىٰ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي: خدایا توان مرا در مسیر اطاعت خودتان قرار ده (فرازی از دعای کمیل)

۴. سوره فتح آیه ۱۰

۵. وَاشْدُدْ عَلَىٰ الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي: خداوندا دل و اندیشه ام را در جهت خودت استوار نما (فرازی از دعای کمیل)

۶. اللهم ثبتني على الصراط (از دعاهاى وضو رساله حضرت امام ره)

۷. سوره انعام، آیه ۱۶۲

بچه‌ها، کوچکتر و بزرگتر، این فرصت را می‌یابند که بهترین و خوشایندترین منش و مهربان‌ترین چهره الگوی محبوبشان را در هنگامه‌های انجام فرایض دینی مشاهده نمایند. آن هنگام که فرزندان و شاگردان و معاشران و اطرافیان الگوهای محبوب مذهبی خود را در مقام حاجی شدن مشاهده نمایند، با همه وجود شخصیت وارسته و گندزدایی شده او را می‌ستایند، چراکه الگوی محبوب ایشان که اینک حاجی شده است، ذره‌ای خودبینی و خودکامی و خودمداری ندارد، چون زمانی که در سرزمین عرشی لباس احرام بر تن کرده بود به آئینه نگاه نکرده است. آئینه‌ای که نمادی از خودبینی‌هاست و خودبینی و خودپرستی و خودمداری و خودکامی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌پذیری فردی و اجتماعی بوده و از آفت‌های اصلی رشد مطلوب شخصیت می‌باشد.

حاجی محبوب ما با شخصیتی متعادل، چهره‌ای گشاده و متبسم در نهایت تواضع و فروتنی ذره‌ای خودنمایی و فخرفروشی ندارد، چراکه در سرزمین عرشی به هنگام محرم شدن عطر زده‌به‌خودش، برجستگی‌ها، توانمندی‌ها و داشته‌هایش جلب نکرده است. الگوی محبوب ما با اندیشه غنی و رفتار خوشایند مذهبی پرخاشگری نمی‌کند و شخصیت کسی را تکذیب و تخریب نمی‌نماید، چراکه در فرایند انجام فریضه حج به هنگام احرام ریشه نهال ودرختی را نابود نکرده است.^۱ حاجی محبوب ما در تعاملات بین فردی و معاشرت‌های اجتماعی در نهایت ادب، با تواضع و متانت رفتار می‌کند و با رفتارهای تهاجمی و سلطه‌گرانه وادبیات آمرانه و حاکمانه بیگانه است.^۲

الگوی محبوب و مطلوب ما که اینک نشان بر افتخار حاجی شدن را بر پیشانی خود دارد، آن چنان وجودش گندزدایی و مصفا شده است که گویا در اقیانوس هستی تغسیل گردیده و هرگز در مراودات خانوادگی و اجتماعی از پرده عصمت و حریم عفت عدول نمی‌کند^۳، چراکه با لباس عرشی احرام حاکمین اراده، قدرت صبوری و خویش‌داری خود رادر برابر کشش‌های نفسانی مضاعف نموده است. الگوی محبوب مذهبی ما در حیات فردی و روابط اجتماعی به تلاش خود و دیگران بها می‌دهد و نه به صرف حاصل کار! چراکه انسان‌های وارسته متعالی مرامشان تلاش مداری است و نه نتیجه‌گیری. خدای مهربان نیز رسالت و ارزشمندی انسان را در تلاش می‌داند، «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۴.

ما همه مکلف هستیم به تناسب تمکن زیستی و شناختی و روانی و اجتماعی خود تلاش نماییم و نتیجه تلاش هدفمند و خالصانه خود را به «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ»^۵ واگذار نماییم و حاجی محبوب ما نیز این مهم را در سعی و تلاش بی‌وقفه و خالصانه خود بین دو کوه صفا و مروه همانند هاجر سلام الله علیها به زیبایی تجربه نموده است. آنگاه که کوچک‌ترها و نوجوان‌ها و جوان‌ها با فطرت پاک خود بارها و بارها در موقعیت‌ها و شرایط مختلف منش دل‌آرام و دلنشین و شخصیت جاذب و وارسته و محبوب نمازگزاران و حاجیان و متعهدان به آراستگی اسلامی را مشاهده می‌نمایند، بی‌درنگ دوست می‌دارند که بیشترین همنشینی و مراوده را با ایشان داشته باشند و همین تمایل فطری ارزشمندترین بستر را برای همدلی و همانندی فراهم می‌نماید. همان طور که پیش‌تر اشاره گردید، پایدارترین یادگیری‌ها، یادگیری‌های ضمنی و مشاهده‌ای است. در این یادگیری مشاهده‌گر یا یادگیرنده بر اساس رغبت‌ها و انگیزه‌های خود، آگاهانه و بدون هرگونه جبر و فشار روانی، همه اندیشه و حواس خود را متوجه رفتار مورد نظر می‌نماید و با نوعی احساس خوشایند و به دور از هرگونه اجبار و تکلف بر دانسته‌ها و تجارب حیاتی خویش می‌افزاید. در یادگیری ضمنی یا مشاهده‌ای به جهت آنکه یادگیرنده خود با آگاهی رغبت و اراده و اختیار به یک پدیده یا رفتار خاص دقت می‌کند در این حالت از بیشترین نگرش مثبت و انگیزه غنی و قوی برای همدلی و همانندی برخوردار

۱. هنگام برتن کردن لباس احرام عطر زدن ممنوع است

۲. کندن ریشه درخت به هنگام احرام ممنوع است

۳. به هنگام محرم شدن رفتارهای سلطه‌گرایانه ممنوع

۴. در هنگام محرم بودن هرگونه ارتباط جنسی با همسر هم ممنوع است

۵. سوره نجم، آیه ۳۹

۶. سوره فاتحه آیه ۴

است. در یادگیری غیرمستقیم و مشاهده‌ای ویژگی‌های شخصیتی الگو فوق العاده برای مشاهده گران خردسال و بزرگسال اهمیت دارد.

هر قدر منش و شخصیت و رفتار الگوهای محبوب، به ویژه آنانی که بیشتر خود را متعهد به ارزش‌های دینی می‌دانند و از منش خوشایندتر پر جاذبه‌تر برخوردارند، خواسته و ناخواسته، مستقیم و غیر مستقیم نیاز عاطفی، عزت نفس و احساس خودارزشمندی مخاطبان و مشاهده گران را ارضا نمایند، فرایند یادگیری مشاهده‌ای مؤثرتر و پایدارتر خواهد بود.

بدون تردید خانواده به مثابه تنها نهاد فطری، طبیعی، بی بدیل و جاودانه بشر اصلی‌ترین کانون یادگیری‌های ضمنی و مشاهده‌ای است و مدرسه با وجود الگوهای برگزیده‌ای چون معلمان و مربیان دل آرام و اندیشمند، بیشترین رضامندی شغلی و حرفه‌ای با عطوفت و مهربانی، منطق و استواری تکمیل‌گر یادگیری‌های مستقیم و غیرمستقیم کودکان، نوجوانان و جوانان در کانون خانواده می‌باشد و در این رهگذر، در فضای دانشگاه‌ها، رسالت اساتید بصیر و محبوب دانشگاه در تقویت و پاسداری احساس مذهبی و تعمیق باورهای دینی دانشجویان ولو اندکی دیر هنگام، بسیار حساس خطیر و سترگ می‌باشد.

در فضای دانشگاهی نیز دانشجویان کنجکاو و جستارگر فرصت دوباره‌ای می‌یابند تا استادان مطلوب و محبوب خود را بیابند تا الگوی بایسته‌ای برای آینده حرفه‌ای خودشان داشته باشند. در این فضا نیز، همدلی و همانندی دانشجویان جوان با اساتید محبوب خود فوق العاده قابل توجه می‌باشد. آنگاه که استاد محبوب دانشجویان، استاد فاضلی که شاکله شخصیت او همانند شجره طیبه آمیزه‌ای است از عواطف و محبت، پویایی و استواری، بصیرت علمی و الگوی حرفه‌ای در فرصت‌های مقتضی، مستقیم و غیر مستقیم و به دور از تظاهر و تکلف با باور عمیق قلبی از سویدای دل ارزش‌ها دینی را گرامی می‌دارد و گوشه‌ای از راز و رمز آموزه‌های الهی را بازگو می‌کند، بدون تردید احساس و باور دینی دانشجویان را تقویت نموده و آمادگی روانی ایشان را در تعهد و تقید به ارزش‌ها و فریضه‌های والای الهی مضاعف می‌نماید. بدیهی است هر قدر دانشجویان خارج از کلاس‌های رسمی در موقعیت‌های متنوع و خوشایند همچون سفرهای علمی و فرهنگی درون شهری و برون شهری، سالن‌های غذاخوری، نمازخانه، کتابخانه، جلسات گفتگوهای دوستانه و نقل خاطره‌ها، مراسم خاص و خوابگاه‌های دانشجویی با استادان محبوب خود که از بصیرت عمیق دینی برخوردارند، محسوس شوند زمینه‌های غنای احساس و نگرش مذهبی در دانشجویان بیشتر می‌شود. در خاتمه یادآور می‌شوم که ما همه مکلف به انجام وظایف و مسئولیت‌های خطیر خویشیم و موظف به حصول نتیجه نیستیم، هر قدر در کار و تلاش‌مان از اخلاص بیشتری برخوردار باشیم و به خدای قادر مهربان توکل نماییم، یقیناً در ایفای رسالت سترگ خود توفیقات بیشتری نصیب ما خواهد شد.

دکتر غلامعلی افروز

استاد ممتاز دانشگاه تهران